



این پدیده نوظهور تجددگرا که به شدت بدون قاعده و اسلوب ساخته شده است در تک تک مبانی و اجزای تکنیکال ارکان هنری چون سینما از ایده تا اجرا و نقد نیز نفوذ کرده است و از ناآگاهی همه جانبه و عمقی مخاطبان و هنرمندانی که در این چرخه به تسلسل آثار هنری، خودآگاهانه مفاهیم را به نسبت سلیقه خود (خارج از قاعده منظم و منسجمش) تبیین میکنند، سوءاستفاده میکند؛ چرا که معانی را وارونه جلوه داده و به بعیدترین استنباط خود اکتفا کرده و طریقت نگاه و نگرش خود را نه به سینمایی ترین شکل ممکن بلکه به شخصی ترین شکل ممکن در تمامی اجزا و ارکان ریز و درشت سینمایی خود اظهار می دارند؛ چه در طیف هنرمندش با آثاری که ارائه میکند و چه در طیف مخاطبانش با اظهارات سلیقه‌ای و شبه نقدی که بر اثر عرضه می‌دارند.

ژانر کمدی بر خلاف نامش بسیار جدی است

ژانر، فی نفسه علاوه بر طبقه‌بندی موضوعی و روایی آثار سینمایی به طرز زایدالوصفی موثر در جهت‌دهی کارگردان و پرکاربرد در تبیین شماتیک آثار هنری ارائه شده به مخاطب و حائز فلسفه است، استخوان دارد و از پایه خود همچنان با استواری، تعرفه‌های مختص به هر ژانر و روایت را شناخته، کانسپت پروری کرده و افزون بر وجود سبک‌ها و جنبش‌های رایج شده در سینما؛ در کوشش است که اثر را با بررسی و تحلیل داده‌های متنی خود روبه رو سازد تا تکلیف اثر با خود و مخاطبش روشن شود.

میتوان گفت مهم‌ترین ژانری که در میان دیگر ژانرهای موجود حاوی ریشه‌ای تاریخی؛ پایه‌ای و به شدت کارشناسانه است، ژانر کمدی است. ژانر کمدی بر خلاف نامش بسیار جدی است؛ جدی نه صرفاً برای مخاطب، بلکه برای سازندگان و دارای انشعابات و تبصره‌هایی است که به راحتی هر فیلمی را نه ارتقا میبخشد و نه توجیهی کمیک میکند. ژانر کمدی اگر بخواهیم پایه‌ای ببینیم، مهم‌ترین ژانری است که مستقیماً با مخاطب در ارتباط و به نوعی از مخاطب است. یک تأمل دینامیک و کاملاً حساب شده را اقتضا میکند و بدون بلوف و شعار؛ مهمل نمیگوید و با شهامتی لایزال خواه جسور و بی‌حیا و خواه کنایه‌آمیز و پرطنه دغدغه‌آفرینی میکند. ژانر کمدی اساساً دغدغه است؛ دغدغه هنرمند. آن هم هنرمندی که اندوه و عذاب خود را از فیلتری کمیک گذرانده، زیست کرده است و با اشکی پر دغدغه و شخصی اما بسیار جدی، مضمونش را آغشته به موضوعی کرده و با گویش خود خواه خجالت‌زده و خواه پر ضرب و با شیطنت یا با زبانی قاصر و پرلکنت و یا با زبانی ممزوج با هجو و رک‌گویی اظهار می‌دارد. ژانر کمدی ذاتاً نقد است. نقدی که اهل مسامحه نیست؛ رنج دیده ولی حامی رنج کشیدن نیست و بسان یک همسفر شانه به شانه □ نه سایه به سایه □ با مخاطبش حرکت میکند.

ژانر کمدی نقد وضعیت موجود و گمانه‌زنی‌هایی مبتنی بر نگرش هنرمند (خواه خوش‌بینانه چون آثار هاوارد هاکس و خواه بدبینانه چون آثار بیلی وایلدر) بر

وضعیت مطلوب است تا دائماً در یک چرخه منظم سیستماتیک از تحمیل شوخی‌هایش بر مخاطب جلوگیری کند، چرا که شالوده ژانر کمدی همگامی - نه همراهی - بن‌مایه‌های دارای دغدغه و مساله اثر با مخاطبش است.

دوربین کمدی حد و حدود دارد و حد روایت، قصه، شخصیت و آنچه ورای پیام و شخصیت قصه‌اش در جریان است را شناخته و نگه میدارد. با جرأت و شهامتی پراز شیطنت آن را به تناسب ذائقه هنرمند کمدی نقد می‌کند اما توهین به شعور، سلیقه و باور مخاطبش نمی‌کند. ارزش‌زدا نیست و به هنجارها، نگرش و باورهای شخصی مخاطبانش - بسان کاراکترهایش (حتی در لفافه) - احترام می‌گذارد.

به عبارتی می‌توان گفت اساس ژانر کمدی در آغاز بر این اسلوب شکل می‌گیرد که مخاطب را با نحوه روایت خود همسنگر خویش متصور شود. خودستا نیست و از بالا هرگز تماشاگران و شخصیت‌هایش را نگاه نمی‌کند. لودگی نمی‌کند، هویت دارد و برای خود و مخاطبانش شأن و عزت قائل است و سعی ندارد که با ادا و اطوارهای غرضی در روایتش حرفی را بزند که در دهانش مزه مزه نکرده است زیرا تجربه زیست آن معضل را نداشته است.

ژانر کمدی و وظایفی که به‌طور فرمیک قوام‌دهنده یک اثر هستند سنگین بوده و هرگز کمدینی را که در طرح چستی مساله کمیک خود ناتوان و در بیان چگونگی شوخی‌هایش حقیر، فقیر و مُدبذب (دودل) است به رسمیت نمی‌شناسد.

کمدی به فکت‌های واقعی و درد نهفته در بطن



می‌توان گفت مهم‌ترین ژانری که در میان دیگر ژانرهای موجود حاوی ریشه‌ای تاریخی؛ پایه‌ای و به شدت کارشناسانه است، ژانر کمدی است. ژانر کمدی بر خلاف نامش بسیار جدی است؛ جدی نه صرفاً برای مخاطب، بلکه برای سازندگان